فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۷۰-۲۵۹
New Period, No 26, 2020, P 259-270
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)
ISSN (2476-7018)

درون‌مایه‌های شعر بهار و جایگاه او در قصیده

حیدر کریم پور[۱]. پروانه مافی[۲]
۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ایران
۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ایران

چکیده

در این تحقیق سعی شده است به روش کتابخانه‌ای و به شیوهٔ تحلیلی- توصیفی، به موضوع پرداخته شود ما می‌دانیم که «بهار» یکی از قصیده‌پردازان بزرگ معاصر در شعر کلاسیک می‌باشد.

این شاعر بزرگ، آشکار از سبک شاعران نامی، همچون فرخی سیستانی، مسعود سعد سلمان و خاقانی شروانی تبعیت می‌کند. یکی از ویژگی‌های شعر بهار، آوردن مضامین حکیمانه و تعلیمی است که به شکلی زیبا با آموزه‌های اخلاقی و مذهبی گره خورده است.

بهار، در عرصهٔ شاعری، این توفیق را حاصل کرده است که به جای پرداختن به موضوعات پوسیده و تکراری متقدمین به درون مایه‌های شعری معاصر راه پیدا کند و همین مسئله، قصاید او را از دیگران متمایز می‌کند. از مهم‌ترین این موضوعات پرداخت به «وطن» که دومین معاصرین به «مام وطن» معروف است، همچنین، عدالت، آزادی و بیداری، از آن جمله است.

واژه‌های کلیدی: قصیده، شعر، وطن، درون‌مایه‌های شعری، عدالت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

شاید این ادعا، چندان دور از ذهن نباشد که به لحاظ زمانی و ارزش ادبی، قصیده با رودکی سمرقندی شروع و با ملک‌الشعرای بهار، به پایان رسیده است و به همین خاطر است که ملک‌الشعرای را می‌توان واپسین شاعر قصیده‌سرا نام برد، اگرچه بعد از بهار، مخصوصاً در ادبیات انقلاب اسلامی، افرادی چون مهرداد اوستا، علی معلم، حمید سبزواری، حسن حسینی و . . . در این خصوص طبع‌آزمایی کرده‌اند اما هیچ کدام نتوانستند نامی همپایهٔ: فرخی، منوچهری، انوری، عنصری، سعدی، ناصرخسور و قاآنی برای خود کسب کنند.

یکی از امتیازات و ویژگی‌های خیلی مهم «بهار» این است که توانست با استفاده از مضامین نو و اندیشه‌های سیاسی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی روز و همچنین مردمی کردن اشعار خود، خط و مسیر خویش را در قصیده از شاعران متقدم جدا کند. اگرچه «بهار» در قصیده پیرو شاعران سبک خراسانی، مخصوصاً خاقانی، مسعود سعد و فرخی می‌باشد اما هنر آنها را به زیبایی در قالب اندیشه‌های نو درآمیخته است و همین امر باعث شده که اشعارش به دل بنشیند و قصیده‌هایش در محافل انس و ادب زبانزد خاص و عام شود تا جایی که توانسته است هم نظر شاعران سنت‌گرا و هم شاعران نوگرا را به خود جلب کند.

در این تحقیق سعی شده است جایگاه این قصیده‌سرای بزرگ با استفاده از مولفه‌های شعری و سبکیش، سنجیده شود و با این رویکرد و این فرضیه‌ها که: آیا آنچه او را از سایر قصیده‌سرایان بزرگ ایران جدا کرده و پرداختن به درون‌مایه‌های شعری و افکار انقلابی او می‌باشد؟ آیا ظهور او در عصر تکنولوژی و ارتباط با افکار غرب توانسته است از او یک شاعر جدید با افکار مدرن و متفکرانه بسازد؟ آیا صبغهٔ مذهبی خود و پدرش در تولیت آستان قدس و انعکاس در اشعارش از او یک چهرهٔ ادبی- مذهبی ساخته است. در این مقاله سعی شده به جایگاه و پایگاه این شاعر بزرگ با استفاده از مولفه‌های یاد شده، پرداخته شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

زندگی و آثار محمدتقی بهار

محمدتقی بهار، در سال ۱۲۶۵ در مشهد، چشم به جهان گشود. پدرش میرزامحمد کاظم صبوری نام داشت. بهار در سن چهار سالگی به مکتب‌خانه رفت و تحصیلاتش را آغاز نمود. در سال ۱۲۷۲ از طریق پدرش با شاهنامه آشنا شد و در همین سال اولین شعرش را در بحر شاهنامه سرود و از پدر خود جایزه دریافت کرد. در سال ۱۲۸۳ پدرش فوت کرد و مسئولیت و سرپرستی خانواده به دوش بهار افتاد. مظفرالدین شاه قاجار بعد از فوت پدر، مقام ملک‌الشعرایی را به بهار اعطا کرد او در تهران «جمعیت ایرانی هواداران صلح» را تشکیل داد و با وزارت فرهنگ نیز قراردادی برای تالیف کتاب «سبک‌شناسی شعر فارسی» بست که به علت بیماری ناتمام ماند. همچنین قصیدهٔ «جغد جنگ» را در ستایش صلح سرود. بهار سرانجام در سال ۱۳۳۰ بر اثر بیماری سِل درگذشت و در ظهیرالدوله شمیران به خاک سپرده شد. (فرهنگ و هنر)

کتاب‌ها:

ـ دیوان اشعار
ـ تاریخ تطور شعر فارسی
ـ احوال فردوسی
ـ تاریخ مختصر احزاب سیاسی
ـ چهار خطابه
ـ دستور پنج استاد
ـ زندگی‌نامه مانی
ـ سبک‌شناسی
ـ شعر در ایران
ـ قبر امام رضا (ع)
ـ فردوسی‌نامه
ـ یادگار زرایران

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تصحیح‌ها:

ـ تاریخ بلعمی

ـ تاریخ سیستان

ـ رساله نفس

ـ شاهنامه فردوسی

ـ مجمل التواریخ و القصص

ـ منتخب جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی

توجه به شکل فرمالیستی اشعار

یکی از دلایل توفیق بهار، علاوه بر معناگرا بودن، توجه به شکل فرمالیستی اشعار می‌باشد.

ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی مثل سایر مداحان اهل بیت، ارادت ویژه‌ای به امام رضا (ع) داشته، تا جایی که حدود سیزده قصیده، غزل و مسمط در مدح امام رضا (ع) سروده است و با توجه به اینکه شاعر بزرگ که به حق لقب خاتم قصیده‌سرایان برازندهٔ اوست شاعریست فحل، زبردست که در شعرهایش [علاوه بر معنی] به شکل و صورت و لفظ، بسیار توجه می‌کرده است و همین علت ما را بر آن داشت تا به بررسی فرمالیستی یکی از چامه‌های او در مدح و منقبت امام هشتم (ع) بپردازیم:

«در سلام عید مولود حضرت ثامن‌الائمه علیه‌السلام»

قوام و توت نو یافت دین پیمبر — زفر مقدم فرزند موسی جعفر

شهی که در طلب خاک آستانه او — گشاده شب، همه شب، چرخ دیده از اختر

چراغ نرم و ولایت، پناه دین مبین — فروغ چشم هدایت، امام حق و بشر

نه بی اجازت او دور می‌زند گردون — نه بی بشارت او سیر می‌کند اختر

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

الف) تناسب وزن ابیات شعر با انسجام شعر

فرمالیست‌ها بر این باورند که اجرای یک اثر هنری، باید متقابلاً یکدیگر را پشتیبانی کنند و این اجزا باید در خدمت درون‌مایه اثر انجام وظیفه نماید.

مرحوم ملک‌الشعرای بهار، این قصیده‌سرای چیره‌دست با تجربه فراوان و دانش ادبی‌ای که داشت وزن را به خوبی در خدمت درون‌مایهٔ شعرش به کار برده است. این وزن در عین حال که وزن طرب‌انگیز و شاد است (یک شادی روحانی در خور شأن ائمه اطهار) و مناسب با حال و هوای عید و میلاد، وزنی است سنگین، باوقار که متانت و سنگینی حضرت را به خوبی به خواننده القاء می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ب) تناسب قافیه و شعر با انسجام شعر

قافیه‌های این شعر عبارتند از: پیمبر، جعفر، اختر، بشر و. . . که حرف روی آنها «ر» است. اگر به نحوهٔ تلفظ حرف روی «ر» دقت کنیم می‌بینیم که تلفظ «ر» نوعی ارتعاش به زبان می‌دهد که باعث جنب و جوش و رقص و شادی می‌شود. (نشریه زیبایی شناسی ادبی)

بخشی از فعالیت‌های سیاسی و ادبی بهار

بهار از آن دسته از شاعرانی نبود که تمام هم و غمشان دریافت صله و رفع حوائج زندگی باشد و گوهر ادب و شرفشان را برای مقداری کاه و یا روغن چراغ به مزایده بگذارند.

زندگی ادبی این مرد بزرگ، چنان با سیاست گره خورده بود که بدون آنها، توانایی نفس کشیدن نداشت و همین، ارج و اعتبار او را نزد همگان دو برابر کرده و او را از شاعران یک سویه‌نگر، متمایز ساخته بود.

ما می‌دانیم که ارزش یک شعر، تنها به شاکلهٔ ادبی آن نیست بلکه وجود محتوای فکری می‌تواند به آن ارج و منزلت خاصی ببخشد و آن شعر را جاودانه کند.

امروزه آنچه که شاعران متاخر و معاصر را بر سر زبان‌ها انداخته است روی آوردن به ادبیات پایداری و دفاع از مردم مظلوم کشورشان می‌باشد.

پس ناگزیریم برای ارزشیابی شعر این شاعر، به بخشی از فعالیت‌های سیاسی او هم نظر داشته باشیم.

«محمدتقی بهار، ملقب به ملک‌الشعرای بهار، ادیب، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی است. بهار را می‌توان به زعم بسیاری از محققان، بزرگ‌ترین قصیده‌سرای اجتماعی فارسی دانست» (فرشید ورد، ۱۳۷۵: ۳۷۰).

بهار بدون تردید یکی از شاعران بزرگ دورهٔ مشروطه به حساب می‌آید که با توانایی ادبی و سیاسی خود توانسته است خود را به مقام بالایی در تاریخ ادب ایران زمین برساند.

«آثار تجدد و تنوع در بیشتر اشعار او در لفظ و معنی آشکار است و به این تعبیر، بهار را می‌توان از پیشروان تجدد ادبی امروز ایران خواند اما در شیوهٔ شعر قدیم، باید او را احیاکننده بزرگ سنت‌های شاعران کهن در روزگار ما شمرد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۳۲۴).

او هم مرد سیاست بود و هم مرد ادب. در همین حال که در متن جریان‌های سیاسی ایران و جهان قرار داشت به نقد و تحلیل این جریان‌ها پرداخته و آنها را در اشعارش گنجانده است. او «در عین حفظ موازین و مقررات سنت و استفاده معتدل از زبان روز، بیشتر استعداد نفوذ، در میان مردم را داشت» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۸۷). بهار مانند دیگر شاعران مشروطه‌خواه، همیشه دل‌نگران وطن بود. او بهترین ستایش‌ها را از آزادی و وطن در قصاید خویش آورده است.

ای خطهٔ ایران میهن، ای وطن من ای گشته به مهر تو عجین، جان و تن من

(همان: ۱۷۷)

وی به دلیل آگاه بودن از امورات کشورش، در شعر خود به ریزترین وقایع هم اشاره می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

اندرین کشور که خادم را زخائن فرق نیست رشوه نگرفتن عذابست ای مشارالسلطنه

(همان: ۲۳۰)

باید این نکته را هم افزود که فعالیت‌های ادبی بهار فقط منحصر به شعرهای وی نمی‌باشد بلکه او از همان جوانی، فعالیت‌های مطبوعاتی خود را هم آغاز کرد و در طی آن سال‌ها، روزنامه‌هایی همچون، نوبهار، تازه‌بهار و مجله دانشکده را منتشر ساخت.

ملک‌الشعرا پس از استقرار مشروطیت به مشروطه‌طلبان پیوست و شش دوره نماینده مجلس شد. او به دلیل پیوستن به مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان چند بار تبعید و زندانی شد که سال‌های زندان و تبعید از پربهره‌ترین سال‌های زندگی ادبی وی بوده است.

درونمایه‌های شعر بهار

درون‌مایه‌های شعر بهار، درون‌مایه‌های بیشتر آزادی‌خواهان عهد مشروطیت نیز هست و این ندای آزادی‌خواهانه از زبان شاعران، رساتر و قابل قبول‌تر می‌باشد. در زیر تیتر مورد به چند مورد از درون‌مایه‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- وطن‌پرستی

بیشتر اشعار بهار در وصف وطن‌پرستی است و بارها آن را به زبان شعر توصیف کرده است.

هرکو در اضطراب وطن نیست آشفته و نژند چون من نیست

یا مرگ یا تجدد و اصلاح راهی جز این دو پیش وطن نیست

(همان: ۲۳۳)

۲- اعتراض به تسلط بیگانگان

بیشتر اشعار بهار، رنگ و بوی اعتراض به بیگانگان را دارد.

ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد نه بیوراسب کرد و نه افراسیاب کرد

از جور و ظلم تاری و تاتار درگذشت ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد

(همان: ۵۵۶)

۳- دفاع از حقوق زنان

زن در دیوان اشعار بهار جایگاه بسیار بالایی دارد. «واژهٔ زن ۳۶۲ بار، مادر ۱۴۴ بار و دختر ۴۱ بار در اشعار بهار تکرار شده است» (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳۶).

زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا مرد نثری سره و زن غزلی‌تر باشد

نثر هر چند به تنهایی خود هست نکو لیک با نظم چو پیوست نکوتر باشد

زن یکی، مرد یکی، خالق و معبود یکی هر یک از این سه، دو شد، مهره به ششدر باشد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

(همان: ۳۵۴)

٤- پند و نصیحت

دیوان بهار پر از پند و اندرزهای خردمدارانه است:

هان ای بهار مرد خرد شو که در جهان　　بند است بیژنی و مغاک است رستمی

(همان: ۳۷۴)

ویژگی‌های سبکی ادبی و محتوایی در شعر بهار

برای پی بردن به میزان توانایی یک شاعر در شعر، می‌توان به ویژگی‌های سبکی اثر او مراجعه کرد و آنها را از سه جهت زبانی، ادبی و محتوا مورد بررسی قرار داد و ما در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به دو ویژگی سبکی این شاعر، یعنی؛ ادبی، محتوایی، اشاره‌ای تیتروار خواهیم داشت:

الف) سطح ادبی

هر چقدر دانش ادبی شاعر وسیع باشد. قطعاً انعکاس گونه‌های آن در اثرش بیشتر خواهد بود و دانش ادبی بهار همراه با ذوق وافر او، این اجازه را به او می‌دهد تا به نحو احسن و اکمل از این خصیصه بهره‌ی فراوان ببرد.

«توجه به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه (مجاز) به کار رفته‌اند. مسائل علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره و سمبل و کنایه، مسائل بدیع معنوی از قبیل ایهام و تناسب و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف‌های هنری و خلاقیت است. ادبی در زبان تمام سخن فرمالیست‌ها این است که در ادبیات اصل، «ادبیت» است یعنی طرز بیان و نحوهٔ ارائهٔ موضوع به صورت ادبی» (شمسیا، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

در اینجا به تعدادی از نمونه‌های ادبی اشاره می‌کنیم:

۱- تمثیل

گاهی اوقات بهار، برای تاثیر بخشیدن به اشعارش به صنعت تمثیل روی می‌آورد:

باز خنگ فکرتم جولان گرفت　　فیل طبعم یاد هندوستان گرفت

(همان: ۸۳۸)

۲- تشبیه

یکی از ابزارهای بسیار مهم برای هر شاعری استفاده به موقع و هنری از تشبیه است که بهار در این خصوص، سنگ تمام گذاشته است و البته تشبیه، خود، انواعی دارد.

ای پشت من از دوری دیوار تو چون جیم　　ولی قد من از محنت هجران تو چون دال

(همان: ۳۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

کاربرد اسطوره‌های حماسی و ملی

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند در حماسی کردن اثر مفید باشد، اشاره کردن به نام قهرمانان داستان‌های حماسی و اساطیری است که از آن بر خلق تصاویر حماسی بهره می‌برند:

زال مستان گریخت از دم بهمن　　آمد اسفند مه به دفتر تهمتن

(همان: ۶۵)

تلمیح

در آثار بهار؛ تلمیحات نقش بسیار موثری ایفا می‌کند. مخصوصاً داستان پیامبران. در داستان یوسف می‌خوانیم که: «یعقوب از فراق یوسف، در اندوه‌های خود شد. چندان بگریست که چشم او سپید شد و شب و روز به خدای می‌نالید»

(سورآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵)

ربیت الحزن همچو یعقوب محزون　　بضاعت به سوی پسر می‌فرستم

(بهار، ۱۳۸۱، ۶۰۸)

استعاره

استعاره عموماً برخاسته از دل طبیعت است و این آرایه در قصاید او از بسامد حوبی برخوردار است و جلوهٔ زیبایی به اشعارش داده است:

ریحان داری دمیده بر گل نسرین　　مرجان داری نهاده بر در شهسوار

(همان: ۱۴۷)

ب) ویژگی‌های محتوایی

در اشعار محتوایی بهار همواره سخن از آزادی، وطن، دفاع از قانون، بیگانه‌ستیزی و برقراری عدالت است و برای تصویرهایش بیشتر از طبیعت الهام می‌گیرد. «شعر بهار از نظر توجه به طبیعت و شعری آفاقی و برون‌گرا و هدفمند با تصاویر ساده و ملموس است. چرا که دید شاعر، بیشتر در سطح اشیاء جریان دارد و در ورای پردهٔ طبیعت، کمتر می‌توان حالت عاطفی یا تامل ذهنی و نفسانی جستجو کرد» (تجلیل، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

مهرگان آمد و دشت و دمن در خطر است　　چمن از غلغلهٔ زاغ و زغن در خطر است

سنبل و سوسن و ریحان و سمن در خطر است　　ای وطن خواهان زنهار، وطن در خطر است

(بهار، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

انگیزه‌های وصف در شعر بهار

هر شاعری در روی آوردن به وصف برای خود دلایلی دارد. شاعران متقدم عموما، به شعرهای مدحی روی می‌آوردند و هدف از آن دریافت صله و انعام بزرگان و پادشاهان بوده است. آنها علاوه بر مدح پادشاهان به توصیف طبیعت و جلوه‌های هستی آن نیز می‌پرداختند.

ملک‌الشعرای بهار چون به لحاظ زمانی در برهه‌ای از زمان به سرودن شعر مشغول می‌شود که همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بوده است در نتیجه درون‌مایه‌های شعری وی هم از تنوع بیشتری برخوردار است. پس می‌توان توصیفات وی را به سه دسته تقسیم کرد که مختصراً به آنها پرداخته می‌شود:

۱- وصف در خدمت مدح

۲- وصف در خدمت مسائل وطنی و انتقادی

۳- وصف در خدمت وصف (سالاری، ۱۳۹۸: ۱۶)

۱- وصف در خدمت مدح

بهار در اشعار مدحی خود مقلد همان شاعران پیشین خراسانی و آذربایجان می‌باشد و سعی می‌کند مطابق سنت‌ها، اجزای قصیده را که یکی از آنها تشبیب می‌باشد با پرداختن به ذکر معشوق و طبیعت و مقدمه‌سازی آماده کند. او در قصاید مدحی خود به ائمه اطهار علاقهٔ ویژه‌ای داشته است. در زیر، نمونه‌ای تشبیب از او را می‌خوانیم که به توصیف چهرهٔ معشوق پرداخته است:

ایا تافته چهرهٔ ارغوانی — نهفته گهر در عقیق یمانی
به عارض پرندی به گیسو پرندی — به مژگان خدنگی به ابروکمانی
کمر چون ببندی، سخن چون سرایی — بدین بی میانی بدین بی‌دهانی؟
به گیتی نباشد ازین چار خوشتر — سرود و می و عاشقی و جوانی

(بهار، ۱۳۸۰: ۷-۹۲)

۲- وصف اشعار وطنی و انتقادهای اجتماعی

در این قسمت از قصاید شاعر دیگر از قصاید سستی با موضوعات پوسیده و تاریخ مصرف گذشته، جدا شده و به مضامینی جدید، از جمله آزادی و وطن روی می‌آورد از جمله شعر زیر که در «لزن» سوئیس سروده شده و به «لزینه» معروف است.

مه کرده مسخر دره و دشت لزن را — پر کرد زسیماب روان، دشت و چمن را
گیتی به غبار و مه و میغ نهان گشت — گفتی که گرفتند به جاروب لزن را
برف آمد و بر سلسلهٔ آلپ کفن دوخت — وآمد مه و پوشید به کافور کفن را
ناگاه یکی سیل رسید از دره‌ای ژرف — پوشید سراپای در و دشت و دمن را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تاریک شد آفاق تو گفتی که به عمدا — یک باره زدند آتش صد تل جگن را
شد داغ دلم تازه که آورد به یادم — تاریکی و بد روزی ایران کهن را

(همان: ۶۸۲)

یا این قصیدهٔ بسیار زیبای بهار که جور زمانه را به شکلی نمادین بیان می‌کند و همین یک قصیده به تنهایی کافیست تا به ارزش ادبی ملک الشعرای بهار در میان شاعران قصیده‌سرا پی برده شود:

ای دیو سپید پای در بند — ای گنبد گیتی ای دماوند
چون گشت زمین زجور گردون — سرد و سیه و خموش و آوند
بنواخت زخشم بر فلک مشت — آن مشت تویی، تو ای دماوند
توقلب فسردهٔ زمینی — از درد ورم نموده یک چند
بگرای چو اژدهای گرزه — بخروش چو شرزه شیر ارغند
زین بی‌خردان سفله بستان — داد دل مردم خردمند

(همان)

۳- وصف در خدمت وصف

در این قسمت برخلاف قسمت‌های قبلی شاعر، توجهی به سیاست و برقراری عدالت و آزادی و وطن ندارد، بلکه او می‌خواهد قدرت شاعری خود را به رخ مخاطب بکشاند و بنا به دنباله‌روی از شاعران متقدم و سلفش فقط به توصیف محض از عناصر طبیعت بپردازد.

چون اوج گرفت مهر از سرطان — بگشاد تموز چون شیر دهان
شد خشک به دشت آن سبزه خرد — شد پست به کوه آن برف کلان
شد توت سپید و انگور رسید — وان توت سیاه آمد به دکان
شد گرم هوا و شد تفته زمین — زین بیش به شهر ماندن نتوان
امسال مراست رای درکه — کانجا زفضول خالیست مکه

(همان: ۴۶)

ذکر این نکته بسیار ضروری است که بهار، علی‌رغم آوردن موضوعات جدید در توصیفاتش، سبک و سیاق او همان شاعران متقدم است فقط موضوع عوض شده و گاهی البته استفاده از واژه‌های جدید غربی در اشعار وی جلوه‌نمایی می‌کند نظیر:

چو پر بگسترد عقاب آهنین — شکار اوست همه شهر و روستای او

که در اینجا منظور از عقاب آهنین، همین هواپیمای امروزی ماست.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

نتیجه گیری

نتیجه می گیریم اینکه، بهار به خاطر طبع روان و احاطهٔ همه‌جانبه به دانش‌های روز ادبی و توصیفات دلنشین و زیبایش یکی از شاعران بزرگ در عرصهٔ قصیده و مثنوی می‌باشد، این شاعر بزرگ با توانمندی‌هایش ثابت کرد که واپسین شاعر قصیده‌پرداز بزرگ ایران است و تا به حال کسی نتوانسته است این جایگاه رفیع را از او پس بگیرد.

پیروی او از شاعران بزرگی چون فرخی سیستانی، خاقانی شروانی و مسعود سعد و همچنین استفاده از موضوعات و درونمایه‌های مهمی چون؛ عدالت، آزادی و وطن و به کارگیری اوزان مناسب با موضوع، او را به شاعری فرم‌گرا و معنی‌گرا مبدل کرده است و نام او تا ابد بر تارک رفیع ادبیات ایران خواهد درخشید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ بختیاری، احمد، بررسی ویژگی‌های سبکی، ادبی و محتوایی در اشعار ملک‌الشعرای بهار.

ـ بهار، محمدتقی (۱۳۸۱)، دیوان اشعار، چاپ اول، تهران: نشر سمیه.

ـ پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر در مه، چاپ دوم، تهران: نگاه.

ـ تجلیل، جلیل، بیگلری، محمدتقی (۱۳۸۹)، «بلاغت تصویر در دیوان اشعار بهار» فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش۲۸، ص ۱۰۶-۷۴.

ـ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، با کاروان حله، تهران، علمی.

ـ ستاری، جلال (۱۳۸۱). پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، تهران: نشر مرکز.

ـ سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۵۲)، یوسف و زلیخا به کوشش پرویز ناتل خانلری و ذبیح‌الله صفا، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.

ـ فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۵)، بهار شاعر بزرگ معاصر، مجلد اول، از کتاب یکصد و دهمین سالگرد میلاد بهار به کوشش سیدهادی حائری، تهران: حدیث

ـ نوروزی چگینی، وحیده، مریمی، الهام (۱۳۹۲)، بررسی درون‌مایه وطن در اشعار ملک‌الشعرای بهار، جافظ ابراهیم، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]